

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۷
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۰۸

ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظر گاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری (مطالعه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران)*

اعظم کریمی یزدی**

ناصر براتی***

مجید زارعی****

چکیده

مهم‌ترین مسئله‌ای که در تفکر امروزی طراحی شهری به چشم می‌خورد در نظر گرفتن طراحی شهری به عنوان یک محصول تمام شده و کامل به جای "فرایندی بلندمدت و ادامه‌دار است که با مکانیزم‌های اجتماعی و سیاسی در هم بافته شده باشد". نگرشی که طراحی شهری را از حالت انفعالی به فعال، از شکل‌گرایی صرف به عملکرد - شکل‌گرا، از طرح محوری به فرایند محوری و از دستوری به تعاملی - مشارکتی تبدیل می‌کند، ارتقای واقعی کیفیت محیط شهری را هدف غایی خود قرار می‌دهد. آنچه در اینجا دنبال می‌شود مدنظر قرار دادن توانان جایگاه کاربران و سازندگان فضای شهری است. در نظر گرفتن کیفیت مکانی مورد ادراک کاربران یک فضای شهری هم‌تراز با مؤلفه‌های مکانی مدنظر سازندگان شهری، بیانگر توجه به بعد اجتماعی فضا است. ادراک شهروندان از فضا توأم با ریشه‌های فرهنگی و عرف جامعه تعلق فرد به آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری چارچوب عملی فرد در استفاده از فضا و بروز رفتارهای اجتماعی در محیط است.

در ساماندهی و احیاء هر محیط شهری باید سه عامل را هم زمان مدنظر قرار داد: محیط شهری یا فضا، کاربران در فضا، و طراحان بر فضا. هر محیط شهری در گذار به شخصیت مکانی خویش باید ریشه‌های هویتی و ساختار معنایی خود را در زمان تداوم بخشد تا موجد جاری شدن زمان در مکان شود. آنچه در عرصه‌های واجد پیشینه هویتی در شهر امروز مشهود است تنزل مکان نسبت به پایه‌های معرفت‌شناختی آن و ضعف ادراک لایه‌های مختلف زمانی در فضا است.

این پژوهش بر آن است ارزیابی کیفیات ادراک مکان را با تکیه بر "فضای وجودی عمومی" مخاطبین و متخصصین عرصه شهری مورد توجه قرار دهد. در این راستا، مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش تهران (محدوده فضای مقابل امامزاده و بازار، حدفاصل بستر رود جاری و میدان تجریش)، را به عنوان نمونه‌ای مورد سنجش قرار داده و به صورت اخص به این پرسش پاسخ دهد: در ارزیابی سنجش‌های ادراکی مکان مورد پژوهش - مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش - چه وجوه افتراق و تفاوتی میان نگرش شهروندان و متخصصین شهری وجود دارد. داده‌های کمی و کیفی حاصل از پرسشنامه در برداشت اطلاعات ذهنی مخاطبین از کیفیات مکان، در قالب نقشه و نمودار به روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از سطح سنجش مناسب‌تر شهروندان نسبت به متخصصین در غالب هنجارهای مورد ارزیابی است. لیک سنجش شهروندان نیز در هر هنجار کمتر از "متوسط متمایل به خوب" است. لذا در ارزیابی کلیت یک فضا تا زمانی که نیازهای نخستین فرد در مواجهه با عرصه عمومی پاسخ داده نشود، فرد قادر به دستیابی به ادراک سطوح بالاتر کیفیات محیطی نخواهد بود. در این تحقیق با مراجعه به آراء مردم و متخصصان سعی شده است به کیفیات شهری متعارف معنایی عمیق‌تر و هم‌پیوند با مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی داده شود.

واژگان کلیدی

ادراک، مخاطبین، متخصصین شهری، فضای شهری.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «اعظم کریمی یزدی»، با عنوان «بازآفرینی فضای شهری از نظرگاه خوانش کیفیات ادراک مکان از منظر مخاطبین و سازندگان فضا (نمونه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش تهران)» است که به راهنمایی دکتر «ناصر براتی» و مشاوره دکتر «مجید زارعی» در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) انجام گرفته است.

** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). نویسنده مسئول ۰۹۱۲۱۷۵۶۱۹۵@mahtab.karimi4066@yahoo.com

*** دکتری شهرسازی، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). naser.barati2012@yahoo.com

**** دکتری شهرسازی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). m.zarei@arc.ikiu.ac.ir

مقدمه

شهرهای دارای کالبد هماهنگ و منسجم عموماً حاصل اجتماعی منسجم هستند. در این جوامع نوع تفکری که بر طراحی شهری حاکم است با فرهنگ و تفکرات اجتماعی موجود منطبق بوده و فاصله چندانی با چارچوب‌های فرهنگی جامعه ندارد. در نتیجه حاصل طراحی شهری کالبدی خواهد بود که هم از نظر عموم مردم و هم از نظر طراحان پذیرفته شده است (رضازاده، ۱۳۸۹ : ۴۰). نمی‌توان بدون توجه و اشراف کافی به فرایندهای درک و فهم محیط از سوی مردم و ساز و کارهای مرتبط با آنها، مبادرت به مداخله در محیط کرد؛ زیرا این درک است که در نهایت تعبیر و تفسیر آنان را از محیط و جهان پیرامونشان شکل می‌دهد و اغلب به شکل رفتار در محیط ظهور پیدا می‌کند (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۱۹). فضای شهری عرصه بروز حیات جمعی و گفتمان اجتماعی در بستری واجد مؤلفه‌های پاسخ‌دهندگی به کیفیات مکان است. عرصه عمومی شهری پذیرای بیشترین استفاده کنندگان با سطوح مختلف فرهنگی، تجارب و آشنایی با مکان است که باید توانایی خویش را برای بازنمایی و قرائت‌پذیری خصایص کالبدی - هویتی و نقش‌های عملکردی خود به رخ کشد و امکان معناداری مطلوبیت را فراهم کند. حال باید دید مطلوبیت فضا از دیدگاه چه کسانی مطرح است : شهروند یا سازندگان؟ لذا این پژوهش سعی دارد با تکیه بر ارزیابی کیفیات ادراک مکان از منظر مخاطبین و متخصصین شهری، به این پرسش‌ها پاسخ دهد : مؤلفه‌های دخیل در ارتقاء ادراک فضایی با تأکید بر ارتباط متقابل فضا - طراح - ناظر کدامند و در ارزیابی سنجه‌های ادراکی مکان مورد پژوهش - مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش - چه تفاوتی میان نگرش شهروندان و متخصصین شهری وجود دارد و از این رهگذر با مطرح کردن فرضیه وجود تفاوت ماهوی در برداشت و ارزیابی کیفیات ادراک مکان از نظرگاه مخاطبین و متخصصین شهری، تأکید می‌شود که به منظور ارتقاء کیفیت مکان شهری ترجیحات مخاطبین فضا و دیدگاه سازندگان را در شکل بخشی به فضا «تؤاما» مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. این امر ضرورت توجه به احیاء ابعاد هویتی، ریشه‌های شکل‌گیری فضا، شکوفایی پتانسیل‌های اقتصادی و حل معضلات فعلی مکان، قرارگیری فضا در زنجیره‌ای از ارتباطات مکانی و پیوستگی مفهومی از منظر طراحان شهری با دیدی «ناظر بر فضا» و پاسخگویی به نیازهای رفتاری، اجتماعی و محیطی در فضا را از دیدگاه کاربران فضا به عنوان موجودیتی «در فضا» در راستای طراحی محیطی معطوف به گرایش‌های هر دو گروه مخاطبین و طراحان فراهم می‌سازد.

چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در طراحی محیط باید به آن دقت شود فرایند احساس، ادراک و شناخت محیطی است که تجربه مکان را برای انسان هموار می‌سازد. برای ساختن محیط‌های سازگار و متناسب با نیازهای ادراکی - رفتاری شهروندان باید شناخت صحیح از رابطه بین انسان و محیط به دست آورد. به عبارتی، در طراحی محیطی شناخت رابطه بین عناصر و شکل محیط و تأثیر آن بر سطوح مختلف احساسی و ادراکی استفاده‌کننده از محیط دارای اهمیت خاصی است (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۲۰) دانش انسان - محیط با این رویکرد پس از انهدام مجتمع پروت ایگو ظهور یافت.

ظهور روان‌شناسی محیطی و ارتباط آن با ادراک فضا

از حدود سال‌های ۱۹۶۰ رشته روان‌شناسی محیطی به عنوان شاخه‌ای از علم روان‌شناسی، دستاوردهای مهمی را در ارتباط با ادراک محیطی مردم در محیط‌های شهری ارائه کرده است. پژوهش‌ها و نظریه‌های ارائه شده توسط "برونسویک"، "برلین"، "لینچ"، "آلتمن"، "راپاپورت" و دیگران هر کدام ابعاد جدیدی به دانش روان‌شناسی محیطی اضافه کرده است (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۲۰) به عقیده "جیفورد" پایه گذاران اصلی روان‌شناسی محیط "آگون برونسویک" و "کورت لوین" هستند. برونسویک در سال ۱۹۴۳ برای اولین بار اصطلاح "روان‌شناسی محیطی" را به کار برده است (همان : ۲۳) "پروشانسکی" روان‌شناسی محیطی را "رشته‌ای که با تعاملات و روابط میان مردم و محیط اطرافشان سروکار دارد" تعریف کرده است (مک اندرو، ۱۳۸۷ : ۱). این دانش نوین به نام‌های دیگری مانند "ارتباط انسان- محیط"، "جامعه‌شناسی محیطی" و "بوم‌شناسی انسانی" نیز شناخته می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۰ : ۵۵) گوستاو تئودور فخنر^۱ با طرح اصطلاح سایکوفیزیک^۲ رابطه بین محرک فیزیکی و ادراک روان‌شناختی را مورد بررسی قرار داد.

برونسویک^۳ عنوان می‌کند که انسان‌ها نقش بسیار فعالی را در سازماندهی ادراکشان از محیط بازی می‌کنند. این الگو نشان می‌دهد که ما در تلاش برای معنی‌دهی به اطلاعات حسی که در هر زمان دریافت می‌کنیم به تجارب قبلی در محیطمان وابسته‌ایم تا به برآوردی سودمند از وضعیت واقعی محیط تبدیل شوند (مک اندرو، ۱۳۸۷ : ۳). وی با مطرح کردن نظریه کنش‌گرایی احتمالی^۴ معتقد است ارگانیزم و محیط در فرایند ادراک مؤثر است. محیط، محرک‌های متعددی را ارائه می‌دهد و مشاهده‌گر برای رفتار یا کنش مطلوب باید مهم‌ترین آنها را به درستی معنی کند. برلین^۵ در نظریه ویژگی‌های جلب‌کننده، مطرح کرد که فرایندهای ادراک و

نمی‌شوند. شناخت عبارت است از کسب، ذخیره‌سازی، بازیابی، پردازش و استفاده از دانش و اطلاعات. پس از آنکه موسیقی خاصی را درک می‌کنید و از نخستین نت‌های آن متوجه شدید سرود ملی کشورتان است، می‌فهمید که باید برخیزید؛ یعنی شناخت وارد عمل می‌شود. دقیقاً نمی‌توان گفت از کجا ادراک جای خود را به شناخت می‌دهد (پناهی شهری، ۱۳۸۳ : ۵).

تئوری‌های ادراکی با تأکید بر اهمیت ادراک انسان، پیوندی میان نحوه شکل‌گیری تصویر و عناصر مؤثر بر آن با کیفیات مورد انتظار در محیط (زیبایی، خوانایی، سرزندگی، معنا، خاطره‌انگیزی و ...) برقرار کرده و با مفاهیم گشتالت قرابت بیشتری دارند. تئوری ادراکی نیازمند بررسی نحوه حرکت افراد پیاده در فضاهای شهری بر پایه دید بصری، در جهت شکل دادن به یک مدل ذهنی از دنیای پیرامون آنهاست (طبیعیان و شعله، ۱۳۸۹ : ۲). با توجه به مفهوم حرکت، دید بصری محیط و جهت‌یابی در فضا، مدل "نظم دهی ذهنی ساخت بصری محیط پیرامون"^{۱۵} که از تحلیل دو مدل دید متقابل و نیز ترکیب فضایی - مدل ترکیب فضایی با خصوصیات ترکیب‌بندی محیط در ارتباط است - به دست آمده، مدلی کاربر میناست که بر پایه دید و ادراک بصری مستقیم شکل گرفته است. در این مدل موضوع جدیدی به نام ایزوویست^{۱۶} یا "دید بصری به محیط" پیرامون مطرح شد و ایده‌ای برای ارزیابی تجزیه ادراکی یک مکان شکل گرفت (طبیعیان و شعله، ۱۳۸۹ : ۷).

پیشینه پژوهش

تحقق الگوی طراحی شهری ادراکی، سیمایی برای شهرها رقم می‌زند که می‌توان آن را "منظر شهری ادراکی/زمینه‌گرا" نامید. (گلکار، ۱۳۹۰ : ۱۷۸) ساختار ادراکی^{۱۷} شامل مجموعه عناصر تجسمی و دریافت ذهنی بیننده از محیط شهری و عناصر کیفی آن، درک خوانایی کالبدی، مکانی، زمانی و تشخیص عناصر هویت بخش است (ذکاوت، ۱۳۷۹ : ۱۱). دستیابی به ساختار ادراکی شهروندان را می‌توان در تحقیقات کوین لینچ و اپلیارد به طور مشخص پی گرفت؛ لینچ به بررسی تصویر ذهنی شهروندان آمریکایی بوستن، لس آنجلس و جرسی سیتی می‌پردازد که دستاورد دو عامل است : از یک سو خاطرات، روابط، تجربه‌ها و توقعات فرد (مجموعه ادراکی در پیوند فرد با منظر) و از سوی دیگر دانسته‌های سه‌بعدی دریافت شده از منظر (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۶۸-۱۶۷). اپلیارد با همکاری لینچ و جان مایر، تحقیق بصری - تجسمی را در مقیاس شهری انجام داد و تحت عنوان "دید از جاده" در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد (بحرینی، ۱۳۸۷ : ۱۰ و ۱۳). که روش آنان بر تأکیدات ادراکی - بصری محیط در ارتباط با

شناخت از همدیگر تفکیک می‌شود؛ این ویژگی‌ها عبارت است از : تازگی، ناهم‌سویی، پیچیدگی و غیرمنتظره بودن. لینچ^۶ نیز با طرح نظریه اصل وضوح^۷ بازشناسی و سازماندهی فضاهای گسترده‌تر و جهت‌یابی در آنها را تابع میزان وضوح یا خوانایی این فضاها می‌داند (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۲۸).

مفاهیم پایه در روان‌شناسی محیطی

در روان‌شناسی محیطی بحث احساس و ادراک تحت عنوان ادراک حسی، براساس دستاوردهای علوم تجربی و به خصوص فیزیولوژی و روان‌شناسی تجربی مطرح می‌شود (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۲۱). توماس هابس^۸ فیلسوف مشهور در سال ۱۶۵۱ نوشت : "هیچ مفهومی در ذهن انسان شکل نمی‌گیرد مگر آن که تماماً یا بخشی از آن از راه اندام‌های حسی تشکیل شود." پروتاگوراس^۹ فیلسوف یونانی نیز در ۴۵۰ سال پیش از میلاد معتقد بود "بشر چیزی نیست مگر مجموعه پیچیده‌ای از حواس" (پناهی شهری، ۱۳۸۳ : ۲). احساس انتقال اثر محرک از گیرنده حسی به سیستم اعصاب مرکزی است که به صورت عینی قابل پیگیری است (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱ : ۲۳). چهار حس عمده در احساس محیط : بینایی^۱، شنوایی^{۱۱}، بویایی^{۱۲} و لامسه^{۱۳} است. این گونه حواس از نظر فیلسوف آلمانی، امانوئل کانت^{۱۴} حواس زیبایی نامیده شدند. حواس انسان به ندرت به صورت منفک از یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال برخی حواس تحت شرایطی از برخی دیگر قوی‌تر یا مهم‌ترند (بل، ۱۳۸۶ : ۵۹-۵۸). بنتلی معتقد است "چنانچه شرایط محیطی ثابت باشد مردم فقط از دو راه می‌توانند تجربیات حسی متفاوت داشته باشند :

۱. متمرکز کردن توجه روی منابع مختلف تجربیات حسی با تناسب فرصت‌های مختلف. ۲. جابه‌جا شدن یا حرکت از یک منبع به طرف منبع دیگر." حواس می‌توانند در طیف وسیعی از امکانات گزینش، از یک حالت انتخابگری کاملاً بی‌چون و چرا تا حالت گزینش مطلوب سیلان داشته باشند (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲ : ۲۶۶).

نظام عصبی پس از تحلیل و تفسیر محرک‌ها، موجبات کشف و ادراک محیط را فراهم می‌سازد (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱ : ۱۸). ادراک چیزی مثل احساس کردن نیست؛ بلکه نتیجه تصفیه پردازش صورت گرفته توسط فرد، به واسطه تجربه شناختی اوست. ایتلسون بیان می‌کند فرد خود بخشی از نظام ادراکی است، زیرا ما چیزی جز حافظه شناختی و بلندمدت‌مان نیستیم (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰ : ۲۳). مفهوم دیگر در روان‌شناسی، شناخت است که ارتباط نزدیکی با ادراک دارد. البته ادراک و شناخت با مرز مشخصی از هم متمایز

پژوهش پی گرفته خواهد شد. قیاس تطبیقی سنجها و هنجارها به تفکیک شهروندان و متخصصین زمینه ساز بیان تفاوت نگرشها در بازخوانی کیفیات مکان خواهد بود. حال باید دید مؤلفه‌های دخیل در ارتقاء ادراک فضایی، ضمن توجه به مخاطبین آن کدامند؟ ارتقاء کیفیت مکان از دیدگاه شهروند مطرح است یا سازندگان و متخصصان. در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهش این فرضیه شکل می‌گیرد که به منظور ارتقاء کیفیت مکان شهری ترجیحات مخاطبین فضا و دیدگاه سازندگان را در شکل بخشی به فضا «تؤاما» مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

مورد پژوهی

• روش‌شناسی تحقیق

ماهیت پژوهش پیش رو نظری- کاربردی است. با توجه به این که نمونه مورد مطالعه مجموعه‌ای شهری با حوزه عملکرد شهری است مقیاس این پژوهش در سطح شهری قابل رده‌بندی است. رویکرد روش تحقیق در این مقاله، روش تحقیق "پیمایشی" نتایج حاصل از اطلاعات پژوهش، "تحلیل محتوا" و "مطالعه موردی" است. روش تحقیق پیمایشی، توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی براساس نمونه ای تصادفی و معرف جامعه و پاسخ اعضای آن گروه نمونه به یک رشته از سؤالاتی که قبلاً به دقت تهیه و تدوین شده اند (براتی، داوود نژاد و منتظری، ۱۳۹۱ : ۹۸)؛ (تصویر ۱).

• جامعه آماری مورد مطالعه

جامعه آماری تعریف شده در این پژوهش مشتمل بر مخاطبین، متخصصین و سازندگان عرصه شهری از سطوح متفاوت آشنایی با محدوده است. از سویی با مدنظر قرار دادن نقش چندعملکردی مجموعه در قالب کارکردهای مذهبی، اقتصادی و گذران اوقات فراغت در ارتباط با حوزه فراگیر آن، و کارکرد حمل و نقل با طیف گسترده‌ای از افراد در دو

حرکت سواره تأکید داشت (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۵۷). به منظور دریافت ذهنیت شهروندان، برداشت بصری لینچ و اپلیارد حاوی دو بخش است :

۱- هویت محیط قابل رؤیت (آنچه موجود است) ۲- ارزش‌های محیطی ادراک شده توسط مخاطبین (آنچه دریافت شد). دستیابی به ارزش‌های محیطی که شهروندان ادراک می‌کنند به همان اندازه برداشت کیفیت موجود حائز اهمیت است (ذکاوت، ۱۳۷۹ : ۲۹-۲۸). پژوهش‌های لینچ به برجسته‌سازی عناصر منظر شهری ادراکی در قالب راه، لبه، گره، نشانه و حوزه یا محله منتهی می‌شود. هرچند وی در مطالعات خود اشاره‌ای به تفاوت‌های ادراکی این عناصر از دیدگاه شهروندان و متخصصین (با پیشینه ذهنی متفاوت) نمی‌کند. لیک اپلیارد اشاره به افتراق دیدگاه این دو گروه را در سطحی محدود مدنظر قرار می‌دهد.

به باور اپلیارد، دخالت دادن یا ندادن گروه‌های گوناگون در فرایند طراحی، وجه تمایز دوگونه طراحی شهری تمامیت‌خواه (خودکامه) و کثرت‌گراست. در طراحی شهری کثرت‌گرا ضمن محوری بودن نقش مردم، طراحان متخصص نیز جایگاه شایسته خود را دارند (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۷۷-۱۷۶). اپلیارد شناخت تفاوت میان ادراک و محصول را مسئله‌ای جدی برای حرفه مندان می‌دانست. باور او یکی از دلایل تفاوت نگرش مردم و حرفه مندان در تفاوت ابزاری یا شیوه ایست که آنان به شهر می‌نگرند. طراحان در آغاز سایت را از زاویه دید عمودی بر نقشه‌ها تجسم می‌کنند؛ درحالی که ساکنان بومی محیط را با چشم خویش و از دیدعابر پیاده ردیابی و تصور می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۶۵-۱۶۲). آنچه از نظر دور می‌ماند بیان وجوه افتراق با توجه به ابعاد سازنده طراحی شهری در ارزیابی کیفیات مکان و بازآفرینی آن در دستیابی به مطلوبیت فضاست. لذا در این مقاله تنظیم هنجارهای کیفی ادراکی - معنایی و سنج‌های هنجارها به عنوان زیربنای



تصویر ۱. محدوده حوزه فراگیر، حوزه نفوذ بلافصل، و حوزه مستقیم مداخله. مأخذ : نگارندگان، ۱۳۹۳.

زیست محیطی انتظام یافت. مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد، سنجه‌های ابعاد طراحی شهری به عنوان زیربنای پژوهشی این مقاله، سنجه‌های ابعاد ادراکی و معنایی را به دست داد. انتظام این سنجه‌ها در چارچوب هنجارهای کیفی ابعاد طراحی شهری زمینه‌ساز سنجش هر یک از سنجه‌ها در قالب طیف بوگاردوس می‌شود. لیک به منظور سهولت در انتقال مفاهیم اصطلاحات سنجه‌ها و ارتقاء سطح درک‌پذیری از سوی پاسخ‌دهندگان، هر یک از سنجه‌ها معادل‌سازی شده و عبارات ساده شده با پاسخ‌هایی از رده مناسب با امتیاز ۶ تا نامناسب با امتیاز ۱ به منظور بازخوانی تصاویر ذهنی مخاطبین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (جدول ۱). در تکمیل پرسشنامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، نمونه‌ای ۱۷۰ تایی از دو گروه شهروندان و متخصصین برای مشارکت در امر ارزیابی محدوده مورد پژوهش و بازخوانی ادراکات ذهنی آنان از مجموعه انتخاب شدند.

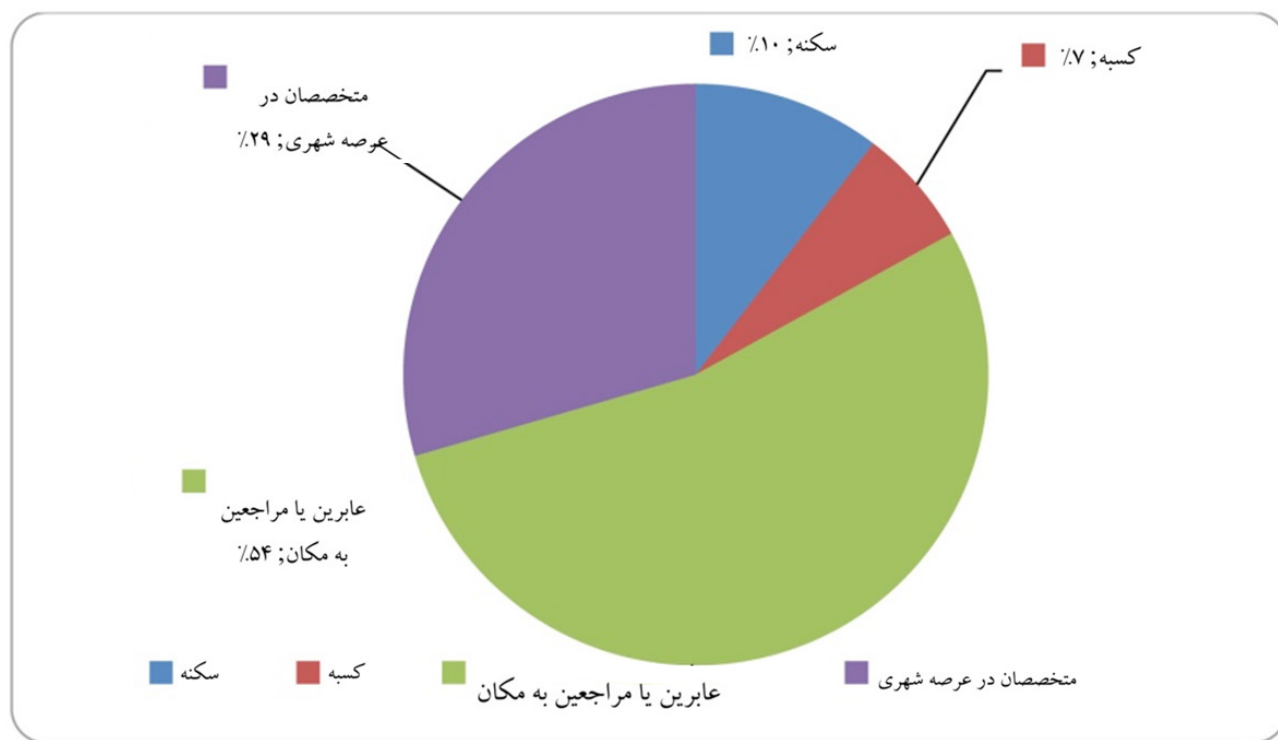
• پیش آزمون و اعتبار تحقیق

در مرحله پایلوت، پرسشنامه اولیه توسط نمونه‌ای کوچک (۳۵ نفر) از شهروندان و متخصصین (شامل نمونه‌ای از شاغلین در بخش شهرسازی شهرداری منطقه اواقع در میدان قدس، دانش‌آموختگان برنامه‌ریزی و طراحی شهری و اساتید شهرسازی) تکمیل شد. پایایی سؤالات پرسشنامه در بخش طیف بوگاردوس براساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شد که اعتبار نتایج پژوهش در

قالب کلی کسبه و مراجعین و عابرین از فضا روبرو هستیم. با در نظر گرفتن بافت مسکونی بلافصل محدوده، سکنه این بافت نیز به عنوان گروه سوم مخاطبین در جامعه آماری پژوهش معرفی می‌شوند. متخصصین در عرصه شهری بخش دیگر جامعه آماری را تشکیل می‌دهند که علاوه بر تمامی افراد و گروه‌هایی که به صورت مستقیم در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، طراحی و اجرای پروژه‌های معماری و شهری دخیل هستند (سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان شهری، طراحان شهری، معماران، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ...)، از دیدگاه اپلیکارد "افراد، سازمان‌ها یا گروه‌هایی که گرچه به طور مستقیم از پروژه سود نمی‌برند اما قدرت نفوذ آنها از نظر اداری، مالی، معنوی یا سیاسی در موفق یا ناموفق بودن پروژه مؤثر است" (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۷۸) را نیز در بر می‌گیرد (نمودار ۱).

• روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات

گردآوری اطلاعات به طور اعم با مرور اطلاعات موجود کتابخانه‌ای، و به طور خاص در نمونه موردی از طریق مطالعات عمیق و ساختاریافته میدانی و پرسشنامه صورت پذیرفت. برای تدوین پرسشنامه، مؤلفه‌های کیفیت محیط شهری از دیدگاه صاحب و پروژه‌های عملی طراحی شهری، از طریق منابع کتابخانه‌ای، مجموعه کتب و مقالات جمع‌آوری شد که پس از کدگذاری، مؤلفه‌ها در ابعاد عملکردی (کاربری، دسترسی، و فعالیت)، کالبدی، ادراکی، معنایی و



نمودار ۱. نسبت پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه در دو گروه مخاطبین و متخصصان عرصه شهری. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

هنجار کیفی ادراکی و معنایی فضای شهری	سنجه های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی - معنایی پاسخ دهنده کی محیط
بعد ادراکی	ادراک بصری شامل تناسبات بصری، خوشایندی بصری، تناوب بصری، تمرکز بصری، تزیینات، هنر
	تعامل ذهنی با محیط شامل گشودگی، مقیاس انسانی، محصوریت فضاها، ایجاد انگیزش از طریق ایجاد فرم های شهری متباین، امنیت، طراحی برای پیاده، محیطی برای همه
	نظم شامل انسجام، وحدت، پیوستگی (لبه ها)، تعادل، سازگاری، هارمونی و هماهنگی
	کیفیت دید و منظر شامل کیفیت کریدورهای دید، نفوذپذیری بصری، چشم اندازها، کنترل محورها و پرسپکتیوها
بعد معنایی	خوانش قرائت پذیری محیط، خوانایی، وضوح، نشانه و علائم
	معنای ارتباطی انعطاف پذیری، سرزندگی و هیجان انگیزی، رنگ تعلق، غنای حسی، امکان شخصی سازی مکان
	هویت شامل حفاظت تاریخی و مرمت شهری، شکل دادن به کانون ها، شخصیت، اصالت و معنا، هویت، ماندگاری، تزیینات، هنر، حس مکان

شده برای نمونه ۳۵ نفره مطالعاتی در این پژوهش برابر ۰/۹۲ است که سطح بالایی از پایایی را نشان می دهد. لذا توصیف و آزمون روابط متغیرها از نظر علمی کاملاً معتبر است (جدول ۲).

هنجارهای با مقادیر کمتر از ۰/۶ فاقد اعتبار تشخیص داده شده و باید در مدل سازی حذف شوند. مقدار آلفای کرونباخ

زمان و مکان های مشابه را مشخص می کند. ضریب آلفای کرونباخ رقمی بین ۰ و ۱ است و اگر ارزیابی بالاتر از ۰/۷ باشد پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است. ابتدا آلفای کلی برای تمامی ۲۸ سؤال مورد آزمون در ۳۵ نمونه مورد مطالعه و سپس برای هر یک از هنجارهای کیفی در ابعاد ادراکی و معنایی محاسبه شد. مقدار آلفای محاسبه

جدول ۲. آلفای کرونباخ محاسبه شده در سنجش پایایی هنجارهای ادراکی و معنایی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

مقدار آلفای کرونباخ	ادراک بصری	تعامل ذهنی با محیط	نظم	دید و منظر	خوانش	معناداری ارتباط	هویت
هنجارهای ابعاد ادراکی و معنایی	۰/۸۴۲	۰/۶۸۸	۰/۸۵۵	۰/۳۴۴	۰/۸۸۵	۰/۸۰۷	۰/۸۴۳

مکان عبارتند از :

آشنایی بسیار عمیق با مکان : این سطح زمانی به وجود می آید که شخص خود در مکان حضور دارد، به صورت ناخودآگاه آن را تجربه می کند در این حالت شخص با مکان یکی می شود.

آشنایی معمولی با مکان : این سطح، تجربه ناخودآگاه مکان است، بیشتر از آنکه فردی باشد، جمعی و فرهنگی است و شامل مشارکت عمیق و بدون اندیشه در نمادهای یک مکان است. این مشارکت به ویژه در تجربه مکان های مقدس و آشنا بروز می کند. آشنایی سطحی با مکان : این سطح، تجربه شخص حساس ولی ناآشنا با مکان است، که به دنبال فهم این موضوع است که مکان برای افرادی که در آن سکونت دارند چه شکل و معنایی دارد. در این سطح حس مکان خود آگاه است و برای مشارکت در معنای مکان بدون پذیرش قراردادهای اجتماعی تلاش می شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۸ : ۷۶-۷۵).

لذا میزان آشنایی افراد در دفعات برخورد آنها با فضا بر سطح ارزیابی کیفی آنان مؤثر بوده و با وقوع کنش های فضایی، درجه آگاهی ذهنی فرد نسبت به نقاط قوت و ضعف فضا و میزان کامیابی مجموعه مورد سنجش در دستیابی به شاخص های پاسخ دهنده گی به خواسته های مخاطب ارتقا یافته و قیاس ذهنی - تطبیقی "کارکرد مکان" در وضعیت موجود و توقعات موضعی - موردی نتایج متفاوت را در بر خواهد داشت (جدول ۳)؛ (نمودار ۲). در پژوهش حاضر، در سطح "بدون آشنایی" توقعات افراد در مواجهه با فضا در سطح توقعات عام یک فضای شهری و بسنده صرف به پویایی عملکردی، سرزندگی اجتماعی و هویت مکانی در ارزیابی یک مجموعه باقی می ماند. در سطوح پایینتر آشنایی با دفعات مراجعه سالانه و ماهانه، درک مسایل و شناخت ابعاد فضا به صورت سطحی انجام می پذیرد که امکان برخورد با مسایل جاری در لایه های زیرین فضا را فراهم نمی کند. توفیق در شناخت ابعاد مجموعه نیازمند واکاوی لایه های مختلف فضایی در دستیابی به عناصر تاریخی بستر مجموعه، حرکت فعال در مجموعه، برقراری ارتباط بصری فعال با جداره های شکل دهنده فضاست تا زمینه ساز شناسایی و تحلیل شکل بندی و تناسبات نما، مشاهده عناصر موزون و هماهنگ، امکان جلب توجه به یک عنصر یا محل خاص، تشویق بدنه به حرکت در فضا، سازگاری فعالیت های جاری در فضا با ماهیت مجموعه، وجود مناظر و چشم اندازهای مطلوب، وجود عناصر و نشانه های هدایت کننده، امکان دستیابی به تجارب غنی حسی، امکان شکل گیری خلاقیت در روابط اجتماعی، برگزاری مراسم و شکل گیری کنون های فعالیتی مردمی، وجود مظاهر و نشانه های هویت ملی و مذهبی در شمایل و ظاهر مجموعه، و امکان شکل گیری عملکردهایی غیر از آنچه هست ...

محاسبه شده برای هنجار "دید و منظر" با سنجه های "کیفیت کریدوراهی دید و چشم انداز" و "کنترل احداث بناهای مرتفع" معرفی می شود. مقدار نامعتبر آلفای کرونباخ را در هنجار "دید و منظر" می توان با توجه به جدول سلسله مراتبی نیازهای مازلو، در ضرورت پاسخ دهنده گی فضا به نیازهای فیزیکی - عملکردی و روانی در گام نخست و پس از ارضای متوسطی از اینها، توجه به مباحث زیباشناسانه فضا دانست. در ارزیابی کلیت یک فضا نیز تا زمانی که نیازهای نخستین فرد در مواجهه با عرصه عمومی پاسخ داده نشود، فرد قادر به دستیابی به ادراک سطوح بالاتری از کیفیات محیطی نخواهد بود.

در ابتدا کنکاشی در پاسخ های به دست آمده بر مبنای میزان آشنایی پاسخ دهندگان با محدوده مطالعاتی، سعی در آشکارسازی علل آن دارد. در ادامه سنجه ها و هنجارهای کیفی ادراکی و معنایی مکان به تفکیک شهروندان و متخصصین و نیز پاسخ دهندگان، برداشت های ذهنی افراد را نشان داده و مورد تحلیل در بیان تفات دیدگاه های شهروندان و متخصصین قرار می گیرد.

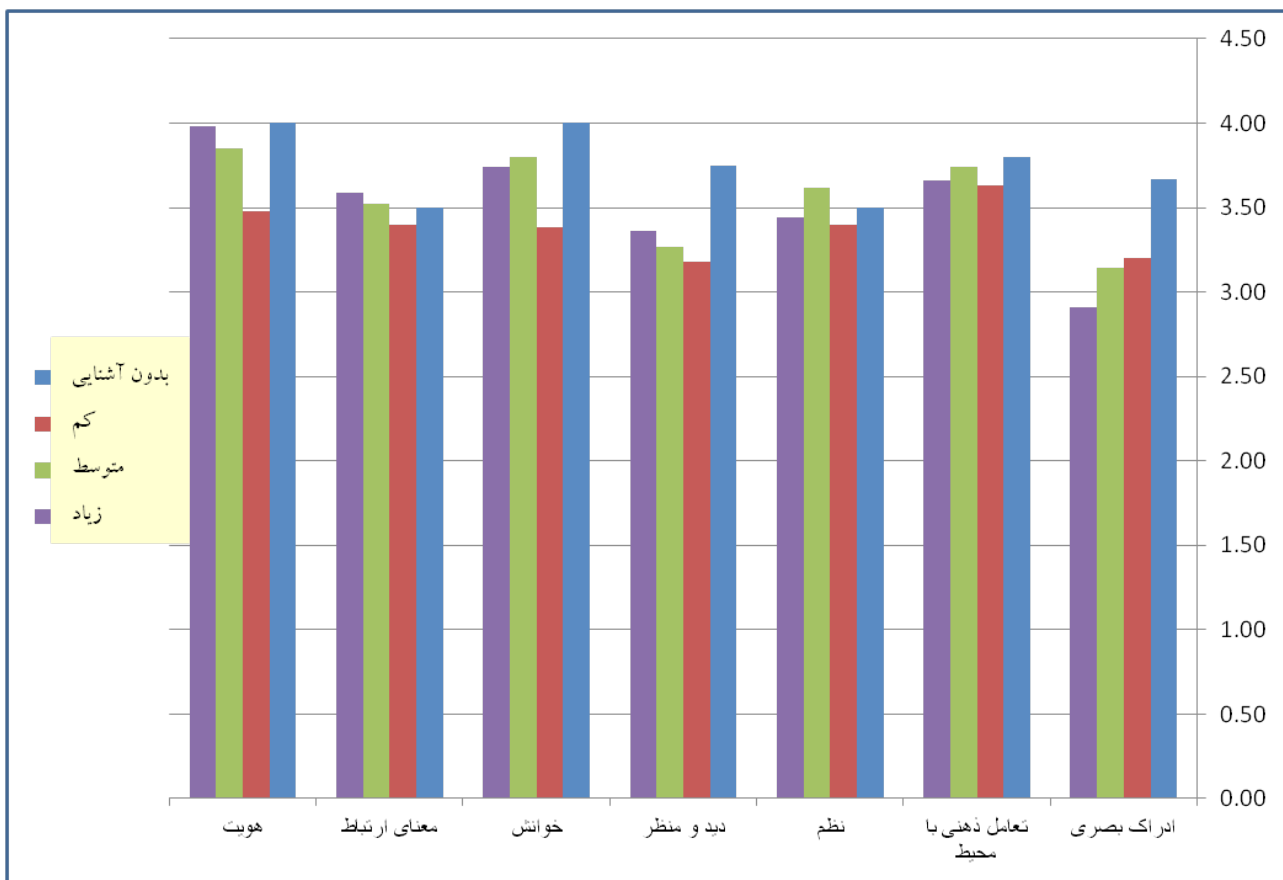
یافته های پژوهش

• ادراک بر مبنای سطوح آشنایی با مکان

شولتز با تکیه بر فلسفه های دیگر - فضائیت وجود انسان - اصطلاح "فضای وجودی" را مطرح می کند که مبتنی بر جنبه های ادراکی رابطه انسان و محیط قابل تعریف است (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۰۵-۱۰۴). وی برای فضای وجودی انسان دو شکل قابل است : "فضای وجودی خصوصی" که ذهنیت انسان از پیوندهای فضاست که ویژه خود اوست و طی تحول ذهنی از راه تعامل میان فرد و محیطش شکل گرفته و تکوین می یابد؛ و "فضای وجودی همگانی"، جنبه های میان فضایی که در ذهنیت همه شهروندان از فضا مشترک است (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۰۷-۱۰۶) اپلیارد نیز عواملی مانند سن، جنسیت، میزان تحصیلات، اندازه آشنایی فرد با محیط را در تفاوت میان تصاویر ذهنی از شهر مؤثر می دانست (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۱۶۵). افراد مختلف با نگاه به یک منظره یکسان، بر حسب دانش، فرهنگ و تجربه خود، الگوهای متفاوتی را مشاهده می کنند. برخلاف اعتقاد به تصویربرداری غیرفعال از منظر، موضوع اخیر موجب تقویت نظریه ای می شود که ادراک را مقوله ای هوشیارانه، انتخابی و فعال می داند. هرچه دخالت ناظر در منظر بیشتر باشد، درجه ادراک هوشیارانه و تفکر بصری فعال نیز بیشتر است. ادراک هوشیارانه به منزله پالایشی است که توسط آن می توان تعیین کرد در یک منظره پیچیده، چه چیزهایی ارزش دیدن و فکر کردن دارند و چه چیزهایی فاقد ارزشند (بل، ۱۳۸۶ : ۷۵). ادراکات و احساسات ما از فضا در ذهن، مکانی دارند که در مواجهه با مکان واقعی بیرونی حکم تداعی کننده ها را بازی کرده و سبب آشنایی با مکان می شود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲ : ۱۰۲). سطوح مختلف آشنایی با

جدول ۳. مقایسه هنجارهای کیفی ادراکی و معنایی فضای شهری با توجه به میزان آشنایی پاسخ دهندگان با محدوده مطالعاتی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

میزان آشنایی با محدوده	ادراک بصری	تعامل ذهنی با محیط	نظم	دید و منظر	خوانش	معناداری ارتباط	هویت
بدون آشنایی	۳/۶۷	۳/۸۰	۳/۵۰	۳/۷۵	۴/۰۰	۳/۵۰	۴/۰۰
کم	۳/۲۰	۳/۶۳	۳/۴۰	۳/۱۸	۳/۳۸	۳/۴۰	۳/۴۸
متوسط	۳/۱۴	۳/۷۴	۳/۶۲	۳/۲۷	۳/۸۰	۳/۵۲	۳/۸۵
زیاد	۲/۹۱	۳/۶۶	۳/۴۴	۳/۳۶	۳/۷۴	۳/۵۹	۳/۹۸



نمودار ۲. مقایسه هنجارهای کیفی ادراکی و معنایی فضای شهری با توجه به میزان آشنایی پاسخ دهندگان با محدوده مطالعاتی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

بالاتر یا عمیق تر است (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۸۲ : ۱۱۱) تجربه حضور در مکان، فارغ از نوع احساس و ادراک انسان از آن فضا، با دریافت معنای مکان متفاوت است؛ ولی نمی توان آن را منفک از هم انگاشت. کسی که بودن در فضایی را تجربه می کند، با توجه به عواملی چون عوامل زیر معنایی را نیز ادراک می کند: الف- شدت و توان معنای فضایی که می تواند به انسان القا شود (قدرت طراح یا پدیدآورنده مکان در تجلی کالبدی بخشیدن به اصول موردنظر خود)؛

• مقایسه تطبیقی هنجارها و سنجه ها به تفکیک شهروندان

و متخصصین

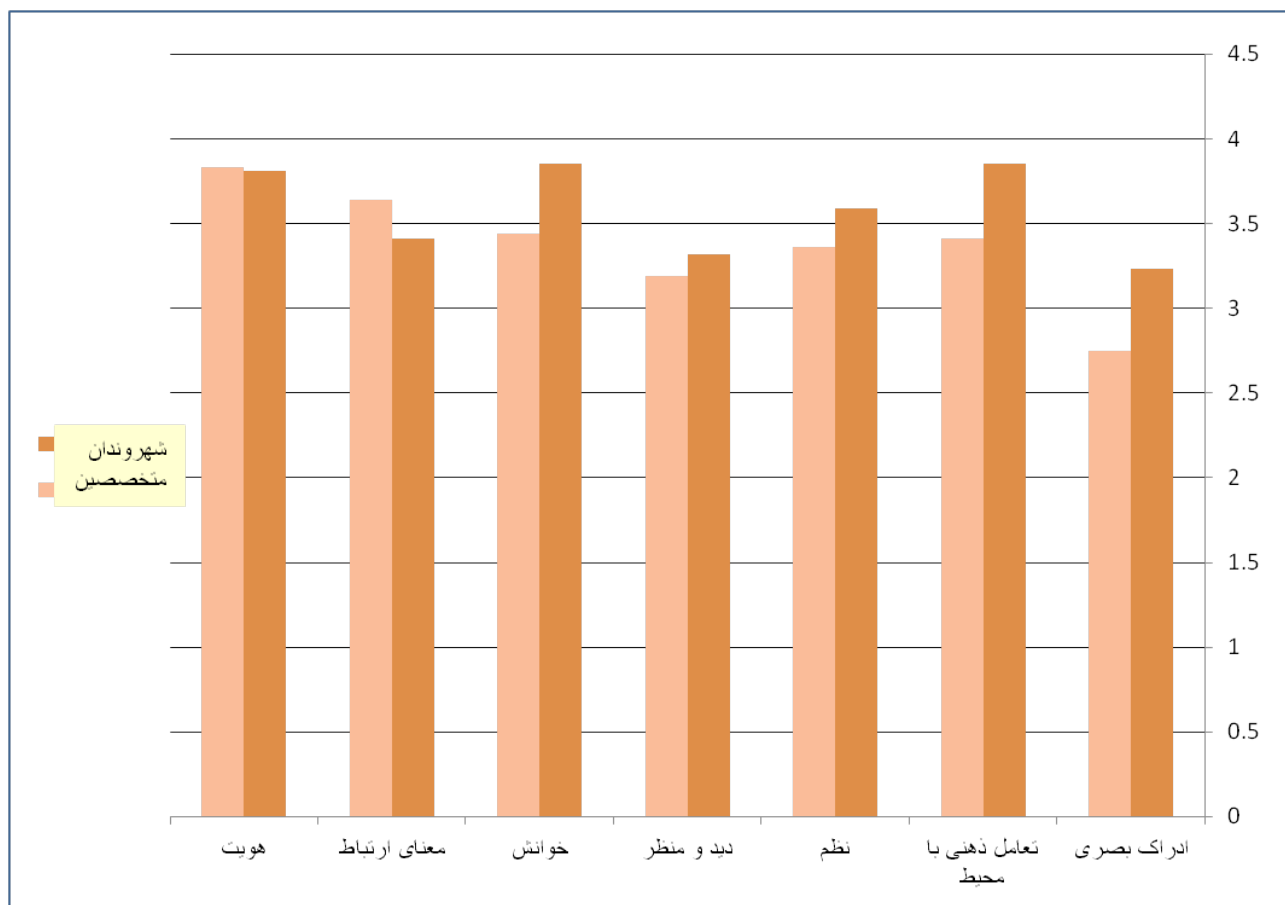
کیفیت درک هر کس از معنای هر فضا به میزان تطابق درک او با معانی نهایی و حقیقی آن فضا بستگی دارد. با آنکه افراد گوناگون با اعتقادات و فرهنگ های مختلف معنایی روحانی از حسینیه یا معبد درمی یابند، کیفیت دریافت آنان مراتب گوناگونی دارد. هر چه این دریافت به معنای حقیقی و باطنی فضا نزدیک تر باشد، مرتبه آن

داشته باشد (همان : ۱۱۶) ؛ ج- حالات روانی مخاطب ؛
د- جهان بینی شخص ؛ ه- عامل حرکت (همان : ۱۱۲)؛
(جدول ۴)؛ (نمودار ۳)؛ (نمودار ۴).

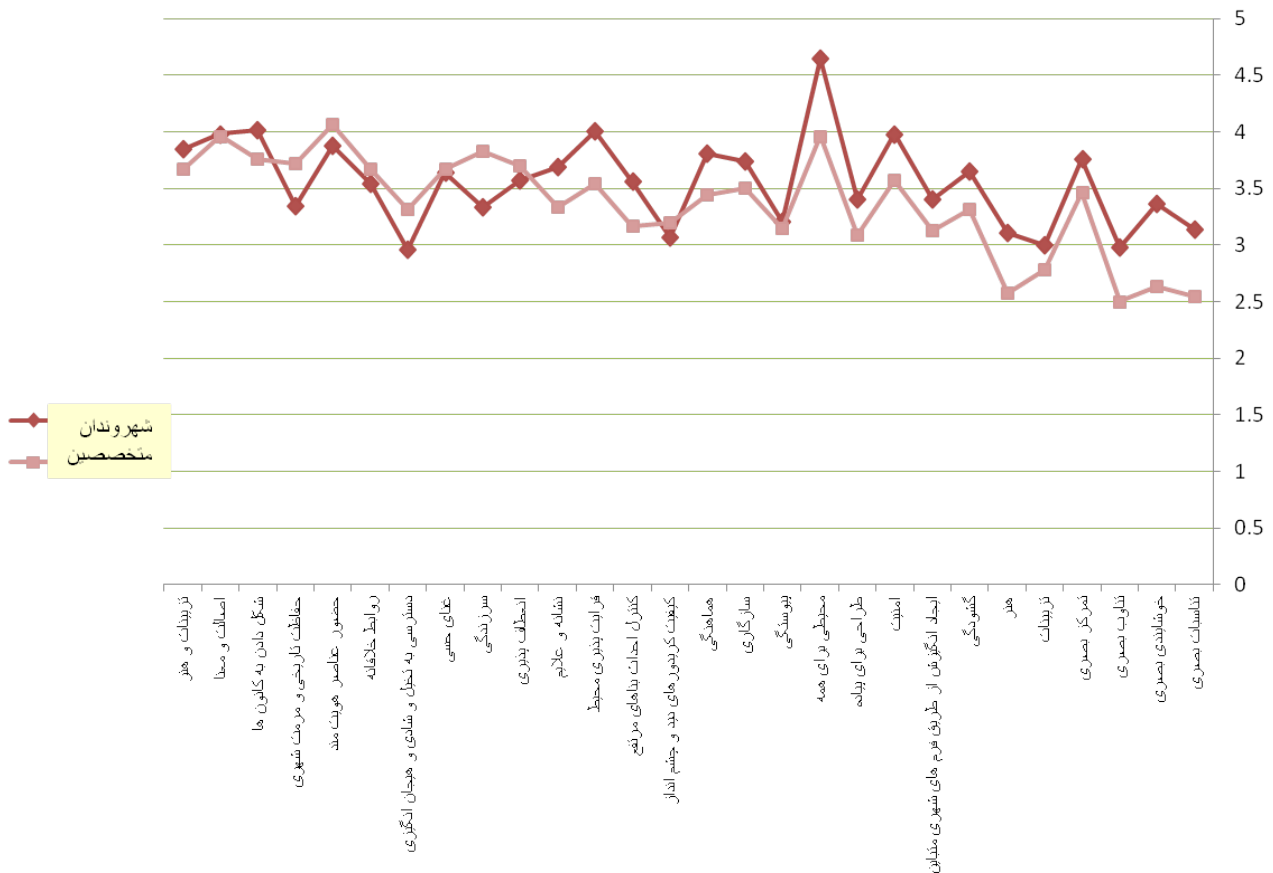
ب- میزان آشنایی مخاطب با باورها و اعتقادات نهفته در مبانی نظری طرح - انسان در مقام استفاده کننده از فضا به میزانی با ادراک حقیقت فضا نزدیک می شود که دستگاه فکری او با دستگاه فکری شخصی که فضا را پدید آورده است، سنخیت

جدول ۴. فراوانی و فراوانی نسبی سنج‌های هنجارهای ابعاد ادراکی معنایی به تفکیک شهروندان و متخصصین. مأخذ : نگارندگان، ۱۳۹۳.

		ادراکی					معنایی	
		ادراک بصری	تعامل ذهنی با محیط	نظم	دید و منظر	خوانش	معناداری ارتباط	هویت
شهروندان	فراوانی	۳۲۶	۳۸۵	۵۴۴	۳۳۵	۳۸۹	۳۴۵	۳۸۵
	نسبی	۳/۲۳	۳/۸۵	۳/۵۹	۳/۳۲	۳/۸۵	۳/۴۱	۳/۸۱
عرصه شهری متخصصان	فراوانی	۱۴۸	۱۸۴	۱۸۱	۱۷۲	۱۸۶	۱۹۶	۲۰۷
	نسبی	۲/۷۵	۳/۴۱	۳/۳۶	۳/۱۹	۳/۴۴	۳/۶۴	۳/۸۳



نمودار ۳. مقایسه تطبیقی هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی و معنایی از دیدگاه شهروندان و متخصصان عرصه شهری. مأخذ : نگارندگان، ۱۳۹۳.



نمودار ۴. قیاس کمی سنج‌های ادراکی و معنایی محدوده مورد ارزیابی از نظرگاه شهروندان و متخصصین در عرصه شهری. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

کند: خوانایی در فرم و عملکرد، گوناگونی، انعطاف‌پذیری در مقیاس‌های بزرگ و کوچک (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۲۷) وی برای بررسی تناسبات در نما، ابزارهای زیر را برمی‌شمارد: ریتم‌های افقی و عمودی، خطوط آسمان، جزییات دیوار، پنجره‌ها، درها، و اجزاء عناصر همکف (همان: ۲۴۱-۲۴۲) - لیک این سنج از نظرگاه شهروندان برمبنای خوشایندی بصری مورد قضاوت قرار می‌گیرد. لنگ عقیده دارد متخصصان طراحی محیط بسیار تحت تأثیر جنبه‌های بصری قرار دارند و شهر را بیشتر به صورت یک اثر هنری می‌شناسند به جای آنکه آن را محل زندگی مردم بدانند. هابارد^۸ نیز عقیده مشابهی دارد و می‌گوید: "آموزش و طراحی، دیدگاه خاصی در متخصصان این رشته ایجاد می‌کند که به جنبه‌های قابل اندازه‌گیری کیفیت محیط بیشتر از جنبه‌های ادراک شخصی توجه دارند. تفاوت بین طراحان و غیرطراحان در نحوه تفکر آنان نسبت به محیط اطرافشان نهفته است ... (کرمونا و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۳۲) نمی‌توان انتظار داشت از محیطی که در نظر شهرساز و معمار مطلوب، زیبا و کارآمد قلمداد می‌شود، سایر افراد

جدول قیاس کمی سنج‌های هنجارهای کیفی در ابعاد ادراکی و معنایی از نظرگاه شهروندان و متخصصین گویای تفاوت در دیدگاه‌های این دو گروه پاسخ دهندگان است. متوسط ارزیابی شهروندان از محدوده مورد پژوهش در بازه ۳-۴ و متوسط ارزیابی متخصصین در بازه ۴-۲/۵ است. ارزیابی سنج‌های هنجارهای کیفی "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، و "خوانش" از دیدگاه متخصصین در سطحی پایین‌تر از شهروندان است؛ لیک در ارزیابی سنج‌های هنجارهای کیفی "معنای ارتباط"، ارزیابی شهروندان مطلوبیت کمتری را نسبت به متخصصین نشان می‌دهد. مقایسه هنجارهای کیفی از دیدگاه این دو گروه نیازمند قیاس موردی از سنج‌هاست. این امر می‌تواند ناشی از معیارهای متفاوت ارزیابی مکان نزد شهروندان و متخصصین باشد. به عنوان نمونه، ارزیابی سنج "تناسبات بصری" در محدوده مورد مطالعه واجد ضوابط و معیارهایی تعریف شده نزد متخصصین عرصه شهری است - بنتلی عنوان می‌کند تعبیر و تفاسیر مردم از یک مکان مناسبات بصری ایجاد می‌کند که می‌تواند پاسخ‌دهندگی را در سه سطح تقویت

تغییر می‌دهند، درحالی که خود به طرق مختلف تحت تأثیر فضا قرار دارند (همان : ۲۱۱). فضاهای عمومی موفق با حضور مردم شخصیت می‌یابند، از این طریق کاراکتر این گونه فضاها از درون تقویت می‌شود (همان : ۱۹۵)، از سوی دیگر، باید بین محیط‌های قابل تصور و محیط‌های مطلوب و موردعلاقه مردم تفاوت قایل شد (نمودار ۵).

در جدول ارزیابی سنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی و معنایی از دیدگاه پاسخ دهندگان، مجموعه سنجه‌ها در بازه امتیازی ۴/۵-۳ قرار می‌گیرد. با توجه به تعریف صورت گرفته از اعداد، عدد ۳ معرف "متوسط متمایل به بد"، ۴ بیانگر "متوسط متمایل به خوب"، و ۵ نشانگر "خوب" است. لذا ارزیابی پاسخ دهندگان در بازه "متوسط متمایل به بد" تا ضعیف تر از "خوب" قرار می‌گیرد. سنجش معیارهای مجموعه، گویای ارزیابی فضا در حد متوسط است و موقعیت کلیت مجموعه در پاسخ‌دهندگی به توقعات موضعی و موردی فضا را تأیید نمی‌کند. شاید بتوان علت را در هرم سلسله مراتبی نیازهای مازلو جستجو کرد. مازلو روان‌شناس انسان‌گرا مدلی از نیازها و انگیزش‌های انسان را ارائه می‌دهد که طبق آن تا نیازهای مادی و اولیه بشر تامین نشوند نیازهای معنوی و زیبایی شناسانه اصولاً مطرح نمی‌شوند (مطلبی، ۱۳۸۰ : ۶۱). در این هرم از پایین به بالا به ترتیب نیازهای جسمانی، نیاز به ایمنی، نیاز به تعلق داشتن و عشق، نیاز به حرمت و نیاز به خودشکوفایی قرار می‌گیرد. نیازهایی که در پله‌های پایین‌تر نردبان انگیزشی هستند، باید پیش از نیازهای پله‌های بالاتر نردبان ارضا شوند. ارضاء نیازهای رده بالاتر بیشتر مستلزم شرایط بیرونی بهتر است تا ارضاء نیازهای رده‌های پایین‌تر. مازلو از درصد نزولی ارضاء نیازها وقتی در سلسله مراتب بالاتر می‌رویم، سخن می‌گوید (پاکزاد، ۱۳۸۸ : ۳۳). در ارزیابی کلیت یک فضا نیز تا زمانی که نیازهای نخستین فرد در مواجهه با عرصه عمومی پاسخ داده نشود، فرد قادر به دستیابی به ادراک سطوح بالاتری از کیفیات محیطی نخواهد بود.

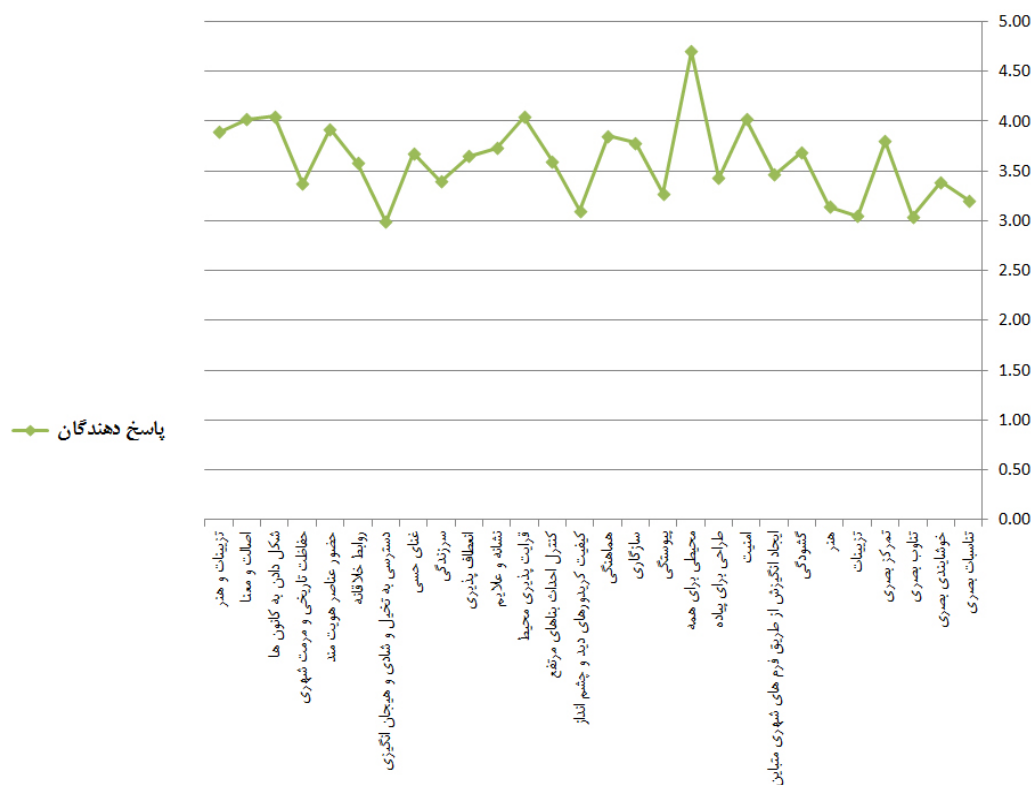
رفعیان عنوان می‌کند برای درک فضای شهر، «هیچ محیطی قائم به ذات نیست، که محیط ساختنی ذهنی» دارد. بنابراین فرض اساسی، باید هم از بالا و هم از پایین به آن نگاه کرد. از بالا، منظر اقتصاد سیاسی را داریم، جایی که نظام‌های پولی و قدرت در کارند تا محیط‌های مصنوع را پدید آورند و جایی که جستارهای علمی، درکی عینی از فضای شهری به افراد ارائه می‌کنند (سازندگان و متخصصین عرصه شهری)؛ از پایین، منظر زندگی روزمره وجود دارد، در جایی که بی‌نظمی و خودجوشی، می‌توانند چیره شوند و جایی که "رفتار انسان" در "و" به هنگام استفاده از فضای شهری، (توسط شهروندان) به آن معنا می‌بخشند.

آن جامعه نیز تفسیری مشابه داشته باشند. زیرا انسان برای معنا دادن و تفسیر اطلاعات محیطی به تجارب و دانش قبلی خود وابسته است (براتی، ۱۳۸۹ : ۳۴).

مسلم است سنجش کیفیات یک فضا در انطباق تصاویر ذهنی آن در پیشگاه پاسخ دهنده متخصص در عرصه شهری با ضوابط و معیارهای ارائه شده از سوی اندیشمندان صورت می‌پذیرد. درک متخصص از ضوابط عرصه عمومی و قیاس ذهنی آنها با موقعیت پژوهش، تفاوت فاحش میان وضعیت مطلوب و واقع را می‌نمایاند. عدم موفقیت یک فضای شهری در پاسخ‌دهندگی به کیفیات زیبایی شناسانه، بصری و بیان صرف نقش آن در قالب مؤلفه‌های عملکردی، گویای ناکارآمدی فضا در پرورش گوناگونی وقایع انسانی و شکل دهی کانون‌های اجتماعی، ضمن پاسداشت عناصر هویت‌مند زیست محیطی و ارائه طرح بستر متناسب با بافت و عملکرد دارای پیشینه تاریخی و جایگاه تعریف شده آن در طرح‌های فرادست است. شاید بتوان دلیل دیگر بر این امر را پاسخ شهروندان به پرسش نخست پاسخنامه دانست: "کدامیک از ابعاد مجموعه مورد مطالعه دارای اهمیت بیشتری است؟" غلبه بعد عملکردی و دسترسی از نظر شهروندان گویای ناتوانی سایر ابعاد در طرح وضعیت موجود در بازنمایی جایگاه خود در تصویر ذهنی مخاطب است. اغتشاش بصری، حرکتی و فضایی موجود در بخش‌هایی از مجموعه، مانع از برجسته‌سازی ابعاد کالبدی و زیست محیطی در تصویر ذهنی پاسخ دهنده می‌شود.

• ارزیابی سنجه‌های مکان از منظر پاسخ دهندگان

خواندن محیط به این معنی است که بدانیم چگونه یک محیط واحد برای افراد مختلف معانی گوناگون داشته و چگونه این معانی تغییر می‌کند. بر این اساس معانی اجتماعی محیط به افراد و استفاده کنندگان فضا مرتبط خواهد بود. تصور و پیش زمینه ذهنی طراحان و سازندگان فضا از نحوه برداشت استفاده کنندگان آتی آن فضا در امر شکل‌گیری معانی اجتماعی مؤثر خواهد بود (کرمونا و همکاران، ۱۳۸۸ : ۱۸۲). همچنین، ناکس و پینچ بین دو پیام تفاوت قایل شده‌اند: پیامی که "انتظار می‌رود" فرستاده شود و تلاشی است که از سوی معماران، برنامه‌ریزان و دست اندکاران ساخت محیط انجام می‌گیرد، و پیامی که از سوی مردم و مصرف کنندگان محیط دریافت می‌شود. به عقیده بارت^۹ افراد در حین خواندن یک متن، متن جدید در ذهن خود می‌سازند (همان) فضا و جامعه به شکل مشخصی به هم مرتبطند. اینکه بخواهیم به فضا بدون توجه به بستر اجتماعی آن یا به جامعه بدون توجه به ظرف فضایی آن بپردازیم، بسیار مشکل است. این رابطه به صورت فرایند دوطرفه است که در آن مردم فضاها را به وجود آورده و



نمودار ۵. سنجش‌های ادراکی و معنایی محدوده مورد ارزیابی از نظرگاه پاسخ دهندگان (شهروندان و متخصصین). مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

بحث

رویکردهای نظری آن، سنجش کیفیت محیط از منظر مخاطبین و سازندگان فضا به عنوان رویکرد انتخابی در چارچوب "مدل مفهومی" در زمینه سنجش کیفیت ادراک مکان محدوده مورد مطالعه مد نظر قرار گرفت. آنچه در قالب این پژوهش به دست آمد آن بود که علاوه بر مؤلفه‌های به دست آمده در مبانی نظری، که کاملاً مصداق آنها در این مطالعه دیده شد، مدت زمان برخورد و تعامل شهروندان با محیط مورد مطالعه نیز در ادراک فضا و عمق و ماهیت‌های آن تأثیرگذار است. این تحقیق نشان داد که با وجود همسویی نظر مردم و کارشناسان همچنان، هم، در خصوص برخی موضوع‌ها، مانند "سرزندگی" و "هم در مورد میزان انتظارات بین مردم و کارشناسان در حوزه مورد مطالعه اختلاف نظر وجود دارد. با وجود شرایط خاص ما در ایران نباید توقع داشت که بدون وجود یک شبکه آموزش عمومی در مورد کیفیات فضاهای شهری این توافق وجود داشته باشد و اگر این وضع ادامه یابد می‌تواند به نارضایتی مردم از فضاهای شهری بیانجامد. مسلماً درگیری و تعامل آگاهانه و همراه با دانش عمومی مردم با فضاهای شهری می‌تواند موجب غنای فضا، غنای ادراک فضا و رشد و آگاهی مردم شود چون همان‌گونه که بحث شد انسان خود قسمتی از تجربه فضاست. از سوی دیگر، درک مشترک مردم می‌تواند موجب شکل‌گیری، تداوم و تعمیق خاطرات جمعی از محیط، و از طریق آن، تعمیق احساس تعلق خاطر جمعی به محیط، جامعه و توسعه هویت‌مندی می‌شود.

در چارچوب تفکر "طراحی کثرت‌گرا و مشارکت‌جو" مطالعات کسانی چون لینچ و اپلیارد ضرورت خوانش ادراک شهروندان از محیط و مطالعه رفتارهای آنان در سازگاری طراحی فضا با ساختارهای فرهنگی - رفتاری مردم را به عنوان امری غیرقابل اغماض مطرح می‌کند. اپلیارد در پی آگاه ساختن مردم و حرفه‌مندان نسبت به تفاوت درکشان از شهر با ابزار یا شیوه‌ای است که آنان به شهر می‌نگرند. این پژوهش یک گام فراتر نهاده و از مطالعات پیشینه‌ای در قالب استخراج کروکی از طریق خوانش ادراک شهروند پیاده در تحقیق لینچ، و ناظر سواره در پژوهش مشترک اپلیارد، لینچ و مایر در "دید از جاده"، به بررسی ادراک شهروندان و متخصصین عرصه شهری و وجوه افتراق آن، به صورت عام در قالب هنجارهای "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، و "کیفیت دید و منظر" از بُعد ادراکی و با در نظر گرفتن درهم تنیدگی ابعاد ادراکی و معناداری محیط، هنجارهای "خوانش"، "معنای ارتباطی" و "هویت" از بُعد معنایی و به صورت اخص سنجش‌های هر یک از هنجارها می‌پردازد. ویشر^۲ پیشنهاد می‌کند مدل تحقیقاتی با نگاهی متفاوت نسبت به کاربران فضا، نقش آنها از افراد غیرفعال به افرادی فعال تبدیل کند که عامل تغییر محیط هستند. در این تحقیق کاربردی برای شکل دادن به عرصه‌ای که شهروندان در آن احساس انبساط خاطر کنند، باتوجه به مطالعات انجام گرفته در زمینه کیفیت محیط و

نتیجه گیری

ارزیابی ادراک فضای شهری، مؤلفه‌های دخیل در ادراک فضایی را از طریق شیوه انتظام سنجه‌ها - که مفصل در مقاله بدان پرداخته شده - در قالب جدول ۱ در پاسخ صریح به سؤالات تحقیق به دست داده است. این سنجه‌ها تحت کلاسه هنجارهای کیفی ادراکی "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، و "کیفیت دید و منظر" در بُعد ادراکی و هنجارهای کیفی ادراکی "خوانش"، "معناداری ارتباطی" و "هویت" در بُعد معنایی فضای شهری انتظام یافته است. در بیان تفاوت نگرش شهروندان و سازندگان شهری و اولویت پرداخت آنان در مرحله بازآفرینی، متخصصان دارای تجارب جهانی‌اند در حالی که مردم از تجارب محلی برخوردارند. هر یک از این دو باید در فرایند طراحی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان به خلق مکان‌هایی دست یافت که پاسخگوی نیازها بوده و دارای معنا باشند. در این راستا سنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی و معنایی مکان در چارچوب پرسشنامه‌ای مورد ارزیابی شهروندان و متخصصین عرصه شهری قرار گرفت. این نکته از نظر دور نماند که دستیابی به مجموعه سنجه‌های هنجاری کیفی ابعاد ادراکی - معنایی طراحی فضای شهری از طریق تفکیک مجموعه مؤلفه‌های گرد آمده از نظریه پردازان و عملگران عرصه شهری در قالب ابعاد پنج‌گانه عملکردی/ کالبدی / ادراکی / معنایی/ زیست محیطی و سپس باز تعریف این مؤلفه‌ها در چارچوب هنجارهای ادراکی - معنایی با عناوینی خودپرداخته ممکن شد.

نتایج پرسشنامه از طریق بازخوانی فضای وجودی عمومی پاسخ دهندگان در چارچوب جمع‌بندی یافته‌ها، تحلیل جداول و نمودارها از محدوده مطالعاتی ارایه شد. نتایج سنجه‌ها حاکی از آن است که سنجش شهروندان از محدوده پژوهش در وضعیت مناسب‌تری نسبت به متخصصین قرار دارد. اشارات پاسخ‌دهندگان گویای اولویت اهمیت ظروف و کیفیات درون فضایی فضا نسبت به توده کالبدی تعریف کننده فضای شهری از دیدگاه آنان است. لذا هنجارهای "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، "خوانش" و "هویت" از منظر آنها در جایگاه بالاتری نسبت به سنجش ذهنی متخصصین قرار می‌گیرد در سنجش کلی هر هنجار، آنان ارزیابی قلمرو پژوهش را در سطحی کمتر از متوسط مایل به خوب می‌دانند. در حالی که از دیدگاه متخصصین ظرف کالبدی از جهت برخورداری از تناسبات کالبدی واجد اولویت و اهمیت است.

درخصوص هنجار "معناداری ارتباطی" که به سنجه‌های انعطاف‌پذیری، سرزندگی، غنای حسی، هیجان انگیزی، و روابط خلاقانه اشاره دارد، شهروندان کلیت مجموعه را در وضعیتی با سطح کیفی پایین‌تر از متخصصین ارزیابی کردند، این گویای ناتوانی فضا در ارایه پتانسیل‌های بروز رفتارهای اجتماعی مورد انتظار مخاطب در فضا است. از این رو توجه به ابعاد اجتماعی - فعالیتی فضا در سنجش کیفیت فضا از نظر شهروندان پررنگ تر بوده در حالی که کارشناسان بیشتر متوجه شاخص‌های کمی و کالبدی‌اند. فصل مشترک کیفیت محیطی حاصل از ادراکات ذهنی شهروندان و هنجارهای کیفی مدنظر طراحان شهری در ارتقاء فضای شهری می‌تواند گویای کیفیات پاسخ‌دهندگی مکان به طیف وسیع مخاطبین و طراحان فضا باشد. بدین ترتیب، پیش گرفتن روشی که طی آن نظر کارشناسان و مصرف کنندگان نهایی فضا به یکدیگر نزدیک شود می‌باید در دستور کار دست اندرکاران ساماندهی فضاهای شهری قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

برای تدوین پرسشنامه، سنجه‌های هنجارهای کیفی محیطی در بخش بیان دیدگاه صاحب نظران مشتمل بر جین جیکوبز (بهزادفر و محمودی کردستانی، ۱۳۸۸ : ۳۸)، کوین لینچ (همان)، ویولین (گلکار، ۱۳۹۰ : ۹۹-۹۸)، ای بن بنتلی و همکاران (گلکار، ۱۳۸۰ : ۴۴)، راجر ترانسیک (همان)، کولمن (همان)، آلن جیکوبز و دونالد ایلبارد (گلکار، ۱۳۸۰ : ۴۵)، فرانسیس تیبالدز و جان پانتر (همان)، مایکل ساوت ورث (همان)، جان پانتر و متیو کرمونا (راست‌بین و همکاران، ۱۳۹۱ : ۳۹)، متیو کرمونا (همان)، فرانسیس تیبالدز (گلکار، ۱۳۸۰ : ۴۶)، گرین (همان)، برایان گودی (همان)، کمیته مشورتی برنامه‌ریزی لندن (گلکار، ۱۳۹۰ : ۱۰۷)، هاتن و هانت (گلکار، ۱۳۸۰ : ۴۷)، نلسن (همان)، و جهان‌شاه پاکزاد (بهزادفر و محمودی کردستانی، ۱۳۸۸ : ۳۸)؛ و در بخش پروژه‌های عملی طراحی شهری شامل برنامه‌ریزی توسعه شهری انگلستان توسط پانتر و کرمونا (گلکار، ۱۳۹۰ : ۱۱۲-۱۱۱)، مروری بر هفتاد مورد برنامه طراحی شهری با چهل شهر ایالات متحده توسط مایکل ساوت ورث (بهزادفر و محمودی کردستانی، ۱۳۸۸ : ۳۸)، گروه طراحی شهری UDG (بنکدار و قزایی، ۱۳۹۰ : ۶۵)، PPS (همان)، کمیسیون معماری و محیط مصنوع CABA با همکاری وزارت حمل و نقل و مناطق شهری انگلستان DETR (همان)، و لیولین دیویس UDC (بنکدار و قزایی، ۱۳۹۰ : ۶۳) است.

Gustav Theodor Fechner .۱

Psychophysics .۲

Brunswik .۳

Probabilistic Functionalism .۴

Berlyne .۵

Lynch .۶

Legibility .۷

Thomas Hobbes .۸

Protogoras .۹

Vision .۱۰

Hearing .۱۱

Smell .۱۲

- ۱۳. Touch
- ۱۴. Immanuel Kant
- ۱۵. EVA
- ۱۶. Isovist
- ۱۷. Perceptual Structure
- ۱۸. Hubbard
- ۱۹. Barthes
- ۲۰. Vischer

فهرست منابع

- انصاری، مجتبی و همکاران. ۱۳۸۸. بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری. دو فصلنامه نامه معماری و شهرسازی، (۲) : ۷۱-۹۱.
- ایروانی، محمود و خداپناهی، محمدکریم. ۱۳۷۱. روان‌شناسی احساس و ادراک. تهران : انتشارات سمت.
- بحرینی، حسین. ۱۳۸۷. تحلیل فضاهای شهری. چاپ ششم. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- براتی، ناصر و داوود نژاد، زهره و منتظری، مرجان. ۱۳۹۱. روش تحقیق در مطالعات محیطی. تهران : انتشارات ساکو.
- براتی، ناصر و سلیمان‌نژاد، محمدعلی. ۱۳۹۰. ادراک محرک‌ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن. باغ نظر، (۱۷) : ۲۹-۱۹.
- براتی، ناصر. ۱۳۸۹. نگاه به شهر از بالا یا از درون؛ تحلیلی بر ساختار فضایی در طرح جامع جدید تهران. مجله منظر، (۱۲) : ۹-۶.
- بل، سایمون. ۱۳۸۶. منظر الگو ادراک و فرایند، ت : بهناز امین‌زاده. چاپ دوم. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- بنتلی، ای ین و همکاران. ۱۳۸۲. محیط‌های پاسخده. ت : مصطفی بهزادفر. چاپ چهارم. تهران : دانشگاه علم و صنعت.
- بنکدار، احمد و فریبا قرائی. ۱۳۹۰. تغییر پارادایم‌ها در اصول طراحی شهری؛ از مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی و ادراکی به رهیافت مکان سازی. نامه معماری و شهرسازی، (۶) : ۷۰-۵۱.
- بهزادفر، مصطفی و محمودی کردستانی، پیام. ۱۳۸۸. هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم‌مدار (آزادی مدار). آرمانشهر، (۳) : ۴۸-۳۲.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۹. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۲ : از کمیت تا کیفیت. تهران : انتشارات آرمانشهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳ : از فضا تا مکان. تهران : انتشارات آرمانشهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۸. مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران : انتشارات شهیدی.
- پناهی شهری، محمود. ۱۳۸۳. روان‌شناسی احساس و ادراک. چاپ پنجم. تهران : انتشارات پیام نور.
- ذکاوت، کامران. ۱۳۷۹. ضرورت حضور طراحی شهری در فرایند تهیه طرح جامع. فصلنامه صفا، (۳۰) : ۱۳-۴.
- راست بین، ساجد و همکاران. ۱۳۹۱. رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی. باغ نظر، ۹ (۲۱) : ۴۶-۳۵.
- رضازاده، راضیه. ۱۳۸۹. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت معماری شهری و سیمای شهر. فصلنامه آبادی، (۶۶) : ۴۱-۳۸.
- طیبیان، منوچهر و شعله، مهسا. ۱۳۸۹. مدل‌سازی حرکت طبیعی افراد پیاده بر پایه دید ناظر در فضاهای شهری و معماری (جستاری برای تدوین مدل تحلیل ادراک بصری فضایی). آرمانشهر، (۴) : ۱۶-۱.
- کاکاوند، الهام، براتی، ناصر و امین‌زاده گوهریزی، بهرام. ۱۳۹۲. سنجش تطبیقی تصویر ذهنی شهروند و شهرساز به مفهوم کیفیت محیط شهری. باغ نظر، (۲۵) : ۱۱۲-۱۰۱.
- کرمونا، متیو و همکاران. ۱۳۸۸. مکان‌های عمومی فضاهای شهری. ت : فریبا قرائی و همکاران. تهران : انتشارات دانشگاه هنر.
- گلکار، کورش. ۱۳۹۰. آفرینش مکان پایدار : تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلکار، کورش. ۱۳۸۰. مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. فصلنامه صفا، (۳۲) : ۶۵-۳۸.
- مک اندرو، فرانسیس تی. ۱۳۸۷. روان‌شناسی محیطی. ت : غلامرضا محمودی. تهران : انتشارات زریاف اصل.
- مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، (۱۰) : ۶۷-۵۲.
- نقی‌زاده، محمد و امین‌زاده، بهناز. ۱۳۸۲. مفهوم و مراتب فضای کیفی. خیال فصلنامه فرهنگستان هنر، (۸) : ۱۱۹-۹۸.